

## سهم سفرنامه‌های اروپایی در معرفی تشیع ایرانیان در غرب

حسن حسین‌زاده شانه‌چی\*

### چکیده

سفرنامه‌های اروپاییان که از قرن یازدهم میلادی به بعد نوشته شده اطلاعات فراوانی درباره سرزمین‌های شرقی و اسلامی به اروپا منتقل کرده‌اند. در این میان، سفرنامه‌های مربوط به نواحی شیعه‌نشین و به خصوص ایران عهد صفوی و دوره بعدی، منبع اطلاعاتی مهمی برای شرق‌شناسان در خصوص شناخت تشیع و شیعیان هستند، چرا که نویسندگان آنها مطالب قابل توجهی در زمینه‌های اصول اعتقادی، آداب و رسوم، مراسم مذهبی و عبادی و نیز تاریخ شیعیان نقل کرده‌اند. البته با توجه به نقاط قوت و ضعفی که در آنها وجود دارد، اطلاعات آنها قابل نقد و بررسی است، چنانکه برخی از آنها کاملاً مردود و برخی دیگر، صحیح و قابل قبول‌اند. از نقاط قوت سفرنامه‌ها، مبتنی بودن بر مشاهدات عینی و گزارشگری محض، و از نقاط ضعف آنها تعمیم دادن قضایا و استناد به برخی منابع غیر معتبر و شفاهی و کم بودن اطلاعات عمومی و تاریخی نویسندگان آنها است. در این مقاله، این سفرنامه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: شرق شناسی، تشیع، سفرنامه‌ها، محاسن و معایب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

\* استادیار گروه معارف دانشگاه آزاد اسلامی - واحد دهقان. دریافت: 89/5/17 - پذیرش: 89/7/21

### سفرنامه‌نویسی اروپاییان

تا قرن هشتم هجری سفر و سفرنامه‌نویسی در بین شرقی‌ها و مسلمانان رواج بسیاری داشت و از آن پس، رو به نقصان نهاد. از قرن دهم هجری وضع به گونه‌ای دیگر در آمد و انبوهی از سیاحان اروپایی به سوی شرق و ایران روانه شدند و کمتر سیاح مسلمانی را می‌توان یاد کرد که در این دوران به غرب سفر کرده باشد. علت این تغییر و تحول در علاقه به سیر و سفر را باید در پیشرفت و توسعه نابرابر جوامع بشری جست‌وجو کرد. به تعبیر دیگر، حضور غربی‌ها یا شرقی‌ها در نقاط دور دست، منعکس کننده رشد اقتصادی و فرهنگی جوامع آنهاست. زمانی که جهان شرق و سرزمین‌های اسلامی در قرون وسطی پرچم‌دار تمدن و پیشرفت بودند به اقاصا نقاط جهان متمدن آن روزگار نیز سفر می‌کردند و از زمانی که تحولات فکری و اقتصادی، چهره اروپا را دگرگون ساخت جهانگردی نیز در بین اروپاییان رواج روز افزون یافت.

شاید بتوان اولین مسافران غربی را که از بلاد اسلامی دیدن کردند متعلق به قرن دهم میلادی/چهارم هجری دانست؛ یعنی زمانی که برخی از اروپاییان مسیحی با مقاصد مختلف، مثل تحصیل علوم یا تجارت، راهی سرزمین‌های اسلامی شدند که از جمله آنها باید از گربرت فرانسوی یاد کرد که برای تحصیل به اندلس آمد و بعدها با عنوان سیلستر دوم به مقام پاپی رسید. البته این آمد و شدها به سبب عوامل سیاسی بسیار محدودی بود و اغلب به صورت سفرنامه، مدون نمی‌شد. چندی بعد با شروع جنگ‌های صلیبی (1093 م / 485ق) راه ورود غربیان به سرزمین‌های اسلامی هموارتر شد و شمار بسیاری از نظامیان، بازرگانان و زائران اروپایی روانه این بلاد شدند. در این دوره، نوشته‌هایی پدید آمدند که آنها را می‌توان اولین سفرنامه‌های شرق دانست. برخی از این نوشته‌ها در واقع کتابچه‌های راهنمایی بود که توسط زائران اروپایی و برای استفاده دیگر زیارت کنندگان نوشته می‌شدند و به همین دلیل آنها را «راهنامه» نامیدند.<sup>1</sup>

احتمالاً در این نوشته‌ها اطلاعاتی درباره شهرهای اسلامی و مسلمان وجود داشته است. از نمونه‌های قابل توجه نوشته‌های این دوران سفرنامه مارکو پولو تاجر ونیزی است که ضمن سفر به چین از برخی بلاد اسلامی نیز عبور کرد. حدود نیم قرن پس از دیدار مارکو پولو از شرق یکی از سفرنامه‌های قابل توجه، توسط جان دومانویل شوالیه انگلیسی نوشته شد که حدود 1327 م روانه شرق شد و مدت مدیدی در این نواحی به سر برد. سفرنامه او به سه زبان لاتین، انگلیسی و فرانسوی منتشر شده است. از همین دست، سفرنامه راهب ایتالیایی، اودریک دوپوردنونه است.<sup>2</sup>

در قرن‌های 15 و 16 م / 9 و 10 هجری - هم‌زمان با حاکمیت صفویان در ایران، سفرنامه‌های بسیاری نوشته شد. در این دوره، کشورهای غربی می‌کوشیدند تا به‌گونه‌ای باب مناسبات سیاسی - اقتصادی را با شرق بگشایند، از این‌رو، افرادی با مأموریت‌های مختلف از اروپا به کشورهای شرقی و اسلامی می‌آمدند. روی خوشی که دولت‌های مسلمان به سفیران و سیاحان نشان می‌دادند نیز زمینه را برای سفرهای مکرر بیگانگان فراهم می‌کرد. سفرنامه‌های این دوره، مشتمل بر مطالب بسیاری است به‌گونه‌ای که برخی از آنها مانند سفرنامه نه جلدی شاردن به صورت دایرةالمعارفی در باب فرهنگ و تاریخ نواحی شرقی درآمده است.<sup>3</sup> از همین قبیل، سفرنامه ژان باتیست تاورنیه سیاح هلندی الاصل پاریسی است که اطلاعات قابل توجهی در بر دارد.<sup>4</sup> در دوره‌های بعد به خصوص قرن هجدهم میلادی / سیزدهم هجری سفرهای اروپاییان بیش از هر زمان دیگر بود و تعداد سفرنامه‌های به‌جا مانده از این زمان بسیار زیاد است که البته همه آنها مطلب توجه برانگیزی ندارند.

سفرنامه‌های موجود هرچه به زمان حال نزدیک‌تر می‌شوند حال و هوایشان تغییر می‌کند و کار از بیان واقعیات و مشاهدات به بررسی اوضاع و احوال و یافتن راه‌هایی برای نفوذ آسان‌تر و سریع‌تر می‌کشد. نمونه بارزی از این‌گونه سفرنامه‌ها را می‌توان در کتاب بهلر (Bohler) فرانسوی یا در گزارش چارلز فرانسیس مکنزی انگلیسی یافت.<sup>5</sup>

#### انگیزه‌های سفر به شرق اسلامی

غربیان تحت تأثیر عوامل مختلف به نواحی شرقی می‌آمدند. ژان ژاک روسو فیلسوف انگلیسی در قرن هجدهم در این باره می‌گوید: «فقط چهار گروه به سفرهای دور و دراز می‌روند: دریانوردان، بازرگانان، سربازان و مبلغان».<sup>6</sup> و آنکتیل دوپرون (1731 - 1805م) شرق‌شناس شهیر فرانسوی می‌نویسد:

این مسافر غالب اوقات یک نظامی است یا شخصی، بازرگانی است یا دولتمردی یا اهل قلمی است با سری مالمال از اندیشه علو حکومت‌های فائقه اروپایی، خورجین به دست به هندوستان می‌رود تا چهارساله چنان باری ببندد که در کشور خودش بیست ساله هم نمی‌شد بست.<sup>7</sup>

با نگاهی به انواع سفرنامه‌های اروپایی می‌توان برخی انگیزه‌های غربیان برای سفر به سرزمین‌های شرقی را دریافت:

1. انگیزه‌های مذهبی: گروهی از سفرکنندگان غربی مبلغان مذهبی بودند که برای اشاعه مسیحیت در بین ملل شرقی به این سرزمین‌ها می‌آمدند، مثل قدیس فرانسوا گزایوه که برای تبلیغ مسیحیت در سال 1552م به بندر گوآ در هند آمد و هندیان را مردمانی کوتاه فکر و فاسد و خائن می‌دانست.<sup>8</sup> آنکتیل دو پرون در این باره چنین می‌نویسد: «مبلغان مذهبی... اغلب اوقات با اندیشه ضدیت با مذهب حاکم به شرق می‌روند... پای حرفشان که می‌نشیند انگار شرقی‌ها از نوعی غیر از اروپایی‌ها هستند»<sup>9</sup> البته غربیان در سفرهای خود علاوه بر اشاعه مسیحیت در شرق اسلامی در پی تضعیف و ایجاد تفرقه در بین مسلمانان نیز بودند، از جمله می‌توان به مستشرق معروف انگلیسی پروفیسور ادوارد براون اشاره کرد که تألیفات متعددی درباره تاریخ ادبیات ایران دارد و گاه از او به‌عنوان یک علاقه‌مند به ایران و فرهنگ ایرانی یاد می‌شود.<sup>10</sup> ولی چنان‌که از سفرنامه وی (یک‌سال در میان ایرانیان) و توصیفات مفصل و ترحم آمیزش از قیام بابیان در این کتاب<sup>11</sup> برمی‌آید - هدفش تبلیغ مذاهب فوق بود، گرچه به فعالیت‌های تبلیغی خود چهره تحقیقی داده بود.<sup>12</sup> ذبیح‌الله منصوری که یکی از مترجمان این کتاب است با اشاره به این نکته، مقصود براون را از سفر به ایران، شناختن مذاهب بایی و بهایی می‌داند.<sup>13</sup>

2. انگیزه‌های سیاسی: برخی از سفرکنندگان به شرق اسلامی رجال سیاسی و فرستادگان دولت‌های اروپایی بودند که برای انجام مأموریت‌هایی از جانب دولت‌هایشان به این بلاد می‌آمدند، مانند امبرسیو کنتارینی که طی سال‌های 1473 - 1477م به‌عنوان سفیر جمهوری ونیز، به‌منظور ایجاد پیوند بین دولت ونیز و سلطنت آق‌قویونلوها علیه امپراطوری عثمانی، عازم دربار اوزون حسن آق‌قویونلو شد و پس از جلب موافقت اوزون حسن به ایتالیا بازگشت.<sup>14</sup> البته از آنجا که سفر کنتارینی مأموریت سیاسی بوده به جمع‌آوری مطالب و اطلاعات تاریخی و جغرافیایی توجه کمتری داشته است.

3. انگیزه‌های اقتصادی: تاجران و بازرگانان نیز که یا برای منافع اقتصادی خود کار می‌کردند یا برای شرکت‌های تجاری دولت‌هایشان گاه به نواحی شرقی سفر می‌کردند. این سفرهای تجاری همراه با توسعه سیاسی و نفوذ معنوی اروپا در این نواحی، گسترش یافت. نمونه‌های چندی از این قبیل را می‌توان نام برد که قدیم‌ترین آنها همان مارکوپولوست و از نمونه‌های متأخرتر، شاردن جواهرفروش فرانسوی است که در قرن هفدهم میلادی / یازدهم هجری چند بار به ایران سفر کرد.

4. انگیزه‌های علمی: در بین گروه‌های مختلفی که به سرزمین‌های اسلامی می‌آمدند برخی از دانشمندان نیز بودند که در سفرهایشان به تحقیقات علمی می‌پرداختند

#### انواع سفرنامه‌ها

سفرنامه‌هایی که توسط غربیان نوشته شده‌اند از نظر شیوه نگارش و نوع توجه نویسندگان به مشاهدات و واقعیات سفر گوناگون‌اند و براین اساس، ارزش و اعتبار متفاوتی دارند. در ادامه به سه نوع عمده سفرنامه‌ها اشاره می‌شود.

#### سفرنامه‌های تحقیقی

اروپاییانی که با انگیزه‌های علمی به شرق سفر کرده‌اند اغلب در سفرنامه‌های خود شرح مطالعات و یافته‌های علمی خود را آورده‌اند و بدین ترتیب، سفرنامه‌هایشان به اثری علمی و تحقیقی بدل شده است. این سفرنامه‌ها ارزش و اعتبار قابل توجهی دارند، البته اگر اغراض سیاسی و مذهبی در آنها وارد نشده باشد. یکی از این سفرنامه‌ها کتاب *زیر آسمان ایران* است به قلم هرمان نوردن انگلیسی‌الاصول مقیم آمریکا که پس از جنگ جهانی اول - و ظاهراً بدون مأموریت سیاسی - از ایران دیدار داشته و تحقیقات قابل توجهی در باب مردم‌شناسی و جغرافیا و تاریخ ایران انجام داده است.<sup>15</sup> دکتر سیریل الگود استاد دانشکده طب دانشگاه لندن و پزشک سفارت انگلیس در ایران نیز در کتاب *تاریخ پزشکی ایران*، وقایع تاریخی متعددی را بررسی کرده که وابستگی به علم طب دارند و ضمن تمجید از طبیبان معروفی چون ابن‌سینا و رازی شخصیت علمی آنان، دستاوردها و کشفیاتشان را در علم پزشکی معرفی می‌کند.<sup>16</sup> از همین قبیل باید به سفرنامه‌های باستان‌شناسان و محققانی اشاره کرد که برای مطالعات خود به کشورهای اسلامی می‌آمدند. بیشتر این سفرنامه‌ها اطلاعات ارزشمند فراوانی دارند. با این حال باید توجه داشت که این گزارش‌ها هر چند با انگیزه‌های مغرضانه انجام نشده باشند خالی از اشتباه نیستند، چنان‌که نوردن در کتاب خود به سبب عدم آشنایی کافی با احکام اسلامی در باب ازدواج موقت و برخی مسائل دیگر اظهار نظرهای غیرمنصفانه‌ای دارد.<sup>17</sup>

#### سفرنامه‌های داستانی

برخی از سفرنامه‌ها به سبب سبک نگارششان بیشتر جنبه داستانی یافته‌اند تا تحقیقی. در این تألیفات، نویسندگان شرح سفر خود را به صورتی داستان‌گونه بیان کرده است. البته این امر بدان

معنا نیست که این نوشته‌ها به‌طور کامل خالی از اطلاعات ارزشمند باشند. از این قبیل آثار می‌توان به کتاب *عجائب ایران* نوشته اوتاس دولوری و دوگلاس سلادن فرانسوی اشاره کرد که بنا به اظهار نویسندگان شرح زندگی خصوصی دیپلمات مجرد فرانسوی در ایران و در واقع داستانی عاشقانه از ماجراهای این مرد فرانسوی در دربار ایران است.<sup>18</sup>

نمونه بهتری از این نوع سفرنامه‌ها کتاب *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* نوشته جمیز دوموریه است. اگر چه این سفرنامه کاملاً قصه‌گونه است با این حال، اشتیاق سفر را در غریبان می‌افزود، چنان که کنت جوزف آرتور دوگوبینو را دوبار به ایران کشاند که حاصل این دو سفر، تألیف سفرنامه‌ای به قلم وی سه سال در آسیا<sup>19</sup> بود.

دو موریه شخصیتی تخیلی به نام حاجی بابا را از شهری به شهر دیگر می‌برد و به مقضای حوادثی که در سفرهای او پیش می‌آید اطلاعاتی درباره مشاغل آن زمان به دست می‌دهد. مسئله‌ای که بیش از هر چیز در این کتاب خود را می‌نمایاند تعمد دو موریه در شیاد و متقلب نشان دادن ایرانیان است.<sup>20</sup>

### سفرنامه‌های گزارشی

این گونه سفرنامه‌ها اغلب حاصل مأموریت‌های سیاسی و نظامی اروپاییان است. از این قبیل آثار، سفرنامه پیر ژوبر (jaubert) (1779-1847م) فرانسوی، شاگرد شرق شناس معروف فرانسوی سیلوستر دوساسی است که به سبب اشتغال در وزارت جنگ فرانسه، مأمور شد تا در سال 1804م خبر پیروزی‌های ناپلئون بناپارت را به امپراتور عثمانی - سلیم سوم - و فتحعلی‌شاه قاجار در ایران برساند. او طی سفر خود، آسیای صغیر، کردستان، ارمنستان و آذربایجان ایران را دید.<sup>21</sup> این سفرنامه در واقع گزارشی توصیفی از شهرها، راه‌ها و حوادث مربوط به آنها و اوضاع سیاسی و اندکی درباره آداب و سنن مردمان این نواحی است.

نمونه دیگر، سفرنامه بلهر (bolher) افسر فرانسوی است که در قشون ناصرالدین شاه خدمت می‌کرد و طی مأموریت نظامی به تفیش و بررسی جغرافیای منطقه گیلان و مازندران مأمور شد. او در سفرنامه خود گزارشی از خصوصیات سوق‌الجیشی هر منطقه و اقدامات لازم برای مقابله با قشون روسیه و عثمانی را ارائه کرده است.<sup>22</sup>

### سفرنامه‌ها و تشیع

در کنار مطالب گوناگونی که در سفرنامه آمده است اطلاعاتی نیز درباره دین و مذهب مردمان شرقی به چشم می‌خورد. در این میان آنچه به تشیع مربوط می‌شود چندان چشمگیر نیست و

به اطلاعات مختصری محدود می‌شود. البته در این خصوص، سفرنامه‌ها یکسان نیستند و مطالب مورد نظر در برخی بیشتر و در بعضی کمتر است. اساساً سفرنامه‌های عصر صفوی در باب مطالب مربوط به شیعه و تشیع، اهمیت بیشتری دارند. نخست، به این دلیل که تعداد سفرنامه‌های تدوین شده در این دوران قابل توجه و زیاد است و دیگر اینکه مسافران غربی در این دوره، نخستین بار به کشور شیعه مذهبی سفر می‌کردند که فرهنگ و مظاهر تشیع تقریباً در سرتاسر آن گسترده بود و شیعیان آزادانه و علنی به مذهب خود رفتار می‌کردند. بدین ترتیب، مسافران اروپایی از نزدیک با شیعیان و فرهنگ و مذهب آنان آشنا می‌شدند و این موقعیت تا این زمان برای اروپاییان بی‌سابقه بود، از این رو در سفرنامه‌های عصر صفوی به‌طور نسبی، مطالب بیشتری درباره شیعیان و مظاهر تشیع آمده است. آنچه بر ارزش مطالب موجود در این سفرنامه‌ها می‌افزاید این است که مطالبی که از طریق این سفرنامه‌ها به دست اروپاییان می‌رسید نخستین اطلاعات حاصل از مشاهدات مستقیم اروپاییان درباره تشیع و شیعیان بود که می‌توانست منبع اساسی برای محققان و شرق‌شناسان باشد، به خصوص آنکه منابع شرق‌شناسان درباره شیعه و تشیع و نیز تألیفاتشان در این باب بسیار کم بود. گفته یکی از سفرنامه نویسان معروف این دوره، مؤید این مطلب است. آدام اولناریوس که در زمان شاه عباس اول (996-1038ق) به ایران آمد و یکی از مفصل‌ترین گزارش‌ها را درباره ایران نوشته است، می‌گوید: «تا آنجا که می‌دانم مورخین و نویسندگان اروپایی تاکنون کتاب جامع و کاملی درباره دین و مذهب ایرانی‌ها ننوشته‌اند».<sup>23</sup>

هر چند که شمار مسافران غربی که در عصر قاجار به ایران آمدند، بسیار زیاد بود، ولی سفرنامه‌های این عصر در موضوع تشیع ارزش و اهمیت سفرنامه‌های عصر صفوی را ندارد، زیرا سفرنامه‌های این دوره تحت تأثیر اهداف و عملکردهای سیاسی و استعماری نویسندگانشان از پرداختن به مسائلی چون عقاید و مذهب و مظاهر آن در جامعه فاصله گرفته‌اند و تنها در برخی از آنها می‌توان نکته‌هایی در این باب یافت. برای مثال، راولینسون در گزارش سفر خود که مشتمل بر مأموریت شناسایی در نواحی شمالی ایران است، به مسائل دینی و فرهنگی هیچ اشاره‌ای ندارد و فقط به معرفی راه‌ها و عوارض جغرافیایی توجه کرده است.<sup>24</sup> همچنین کلمنت اوگاتیس دوبد در سفر خود به لرستان و خوزستان به همین امور و شناسایی عشایر پرداخته است.<sup>25</sup> از همین قبیل‌اند خاطرات سرهارفود جونز و یادداشت‌های روزانه سرجان کمبل. با این حال، می‌توان در آثاری مانند سفرنامه آلکس بارنز - در عهد فتعلی شاه و نیز سفرنامه کارلا سرنا اشاراتی درباره امور دینی و مذهبی مردم یافت.<sup>26</sup>

به هر حال در سفرنامه‌های مختلف مطالبی درباره شیعیان، اعتقادات و آداب و رسوم آنها و همه امور مربوط به تشیع وجود دارد که البته به سبب ماهیت سفرنامه‌ها، اطلاعات جامعی نیستند و در واقع، گزارش‌هایی پراکنده‌اند.

در ادامه به مهم‌ترین مطالب مربوط به تشیع که در سفرنامه‌ها بدان‌ها اشاره شده است، می‌پردازیم. بدیهی است که تعداد زیاد سفرنامه‌ها بررسی همگی آنها را دشوار کرده است، علاوه بر اینکه تک تک آنها مطالبی در موضوع مورد نظر ندارند، از این‌رو، در اینجا مهم‌ترین سفرنامه‌های عصر صفوی و برخی از سفرنامه‌های مهم متأخرتر بررسی شده است.

### مهم‌ترین جلوه‌های تشیع در سفرنامه‌ها

در سفرنامه‌های مختلف اروپاییان مطالب متنوعی درباره تشیع و شیعیان می‌توان یافت که بعضی از موضوعات آنها از تفصیل بیشتری دارد و بعضی دیگر مختصرند و گاه تنها به اشاره‌ای بسند شده است. در ادامه از مهم‌ترین و مفصل‌ترین این مطالب یاد می‌شود.

#### 1. عقاید شیعه

##### امامت

یکی از اساسی‌ترین ارکان اعتقادی شیعه که آن را از دیگر فرقه‌های اسلامی متمایز می‌کند، موضوع امامت است. همین تمایز موجب می‌شد که برخی سفرنامه‌نویسان به عقیده شیعیان در باب امامت و اختلاف آن با عقیده اهل سنت توجه کنند.

اولناریوس<sup>27</sup> یکی از نخستین کسانی است که به عقیده شیعیان در باب امامت توجه داشته است. او ضمن بیان عقاید ایرانیان (شیعیان)، یکی از چهار رکن اختلاف عقیدتی آنان را با ترکان سنی مذهب، امامت می‌داند. سه رکن دیگر، عبارت است از تفسیر قرآن، عبادات و مراسم دینی و معجزاتی که به مقدسان نسبت می‌دهند. اولناریوس اعتقاد شیعیان را در باب امامت به‌طور نسبتاً مفصل بیان می‌کند و می‌گوید که قائل به خلافت بلافصل امام علی علیه السلام هستند و اینکه سه خلیفه دیگر به ناحق جای ایشان را گرفتند و امام برای حفظ اسلام و جلوگیری از تفرقه به مبارزه مسلحانه دست نزد.<sup>28</sup>

انگلیت کمپفر آلمانی الاصل که در سال 1683م / 1094ق و در زمان شاه سلیمان صفوی (1077 - 1105ق) از جانب دولت سوئد به‌عنوان سفیر به ایران آمد و نزدیک به دو سال در اینجا اقامت داشت، در بخشی از سفرنامه‌اش هنگام توضیح اعتقادات ایرانیان - که شیعه بودند، عقیده آنان درباره وجود دوازده امام را با ذکر نام ایشان بیان می‌کند و می‌گوید که ایرانیان شیعه بر خلاف ترک‌ها (سنی) سه خلیفه بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله را قبول ندارند.<sup>29</sup>



شاردن جهانگرد فرانسوی که دوبار در زمان شاه عباس دوم (1052-1077ق) و یکبار در زمان شاه سلیمان صفوی (1077-1105ق) به ایران آمده نیز نکته‌هایی درباره امامت نوشته است. او پس از اشاره به عقیده شیعیان در این باب، چگونگی تعیین امام را بیان کرده و می‌گوید که امام را یا پیامبر تعیین می‌کند یا امامی که پدران او همگی مقام امامت داشته‌اند.<sup>30</sup>

اگر چه این سفرنامه نویسان در بیان موضوع امامت به نکات کلی آن اشاره کرده‌اند، ولی در نکات جزئی‌تر آن دچار اشتباه شده‌اند، چنان‌که شاردن مفهوم امامت و پادشاهی را یکی دانسته و اعتقاد امامت شیعیان را بر پادشاهی منطبق کرده است و درباره اعتقاد شیعیان می‌گوید: «بنابراین، پادشاهی به تمام معنا موهبتی است که خدا به پیغمبرانش عطا می‌فرماید و پس از او این حق به امامان منتقل می‌گردد».<sup>31</sup> همین‌طور کمپفر امامت را حقی خانوادگی و موروثی تصور کرده و دلیل اینکه منحصراً دوازده امام حق رسیدن به خلافت را دارند این بیان می‌کند که آنان از نسل پیامبر هستند.<sup>32</sup>

### امامان

اغلب سفرنامه نویسان مطالبی درباره امامان شیعه در آثارشان آورده‌اند. برخی که دقت بیشتری داشته، از دوازده امام نام برده‌اند، ولی بیشتر به تناسب حوادث سفرشان از بعضی امامان نام برده‌اند. از قدیم‌ترین آنها بنیامین تودولایی است که در قرن دوازده میلادی از اسپانیا به سرزمین‌های اسلامی سفر کرد و ضمن توصیف مصر، به حکومت امام علی علیه السلام فقط اشاره‌ای می‌کند و به اشتباه قاهره مصر را مقر حکومت آن حضرت می‌داند.<sup>33</sup> گویا امام علیه السلام را با خلفای فاطمی مصر اشتباه گرفته است. بعدها اولئاریوس در قرن هفده میلادی/ یازده هجری ضمن بیان عقاید شیعه و سنی در باب خلافت، به اختصار به دوره حکومت امام علی علیه السلام و جنگ‌های آن حضرت و اصلاحاتش برای ارائه تفسیر درستی از قرآن که در دوره خلفا به نادرست تفسیر شده بود، می‌پردازد.<sup>34</sup> او از دیگر امامان صحبت به میان نمی‌آورد و فقط می‌گوید که ایرانیان به وجود دوازده امام اعتقاد دارند.<sup>35</sup> اندکی بعد کمپفر در سفرنامه خود نام دوازده امام را ذکر کرده و توضیحاتی بسیار اجمالی در این باره می‌آورد.<sup>36</sup>

مفصل‌ترین مطالب درباره امامان در سفرنامه‌ها متعلق به امام رضا علیه السلام است. اغلب اروپاییانی که به ایران می‌آمدند به مناسبت درباره آن حضرت مطالبی آورده‌اند که یکی از مفصل‌ترین این توضیحات را می‌توان در سفرنامه کمپفر یافت. او تذکر می‌دهد که از بین دوازده امام فقط امام

رضا<sup>ع</sup> در ایران و در شهر مشهد مدفون است و اعتبار و شهرت شهر مشهد را به همین سبب می‌داند و می‌گوید که مردم از اکناف و اطراف برای زیارت به این شهر می‌روند. برداشت او از عقیده شیعیان این است که آنان بعد از امام علی<sup>ع</sup> و امام صادق<sup>ع</sup> حضرت رضا<sup>ع</sup> را بیش از دیگر ائمه محترم می‌شمردند.<sup>37</sup> دیگر سفرنامه‌نویسان مانند اولتاریوس، پیتر و دلاواله و آنتونیو دو گوئه<sup>38</sup> نیز به مناسبت از امام رضا<sup>ع</sup> یاد کرده‌اند.

از سفرنامه‌های متأخرتر باید به سفرنامه الکس بارنز انگلیسی، عضو انجمن سلطنتی انگلستان و مأمور عالی رتبه کمپانی هند شرقی، اشاره کرد که در سال 1831م در ایام سلطنت فتحعلی شاه قاجار به ایران آمد. بارنز در توصیف شهر مشهد به معرفی امام رضا<sup>ع</sup> می‌پردازد، ولی در این باره دچار اشتباه می‌شود و آن حضرت را پنجمین سلاله امام علی<sup>ع</sup> می‌نامد. بارنز درباره علت حضور امام در این ناحیه به گفته مردم ترکستان استناد می‌کند که می‌گفتند امام به دلیل اخلاق مردم مشهد که شرایط زندگی در این شهر را برای امام بهتر می‌کرد، به آنجا مهاجرت نمود.<sup>39</sup>

### مهدویت

یکی از ویژگی‌های اعتقادی شیعیان موضوع مهدویت و غیبت امام دوازدهم است که در برخی سفرنامه‌ها به آن نیز اشاره شده است. اولتاریوس پس از بیان اعتقاد شیعیان درباره دوازده امام، به غایب شدن امام مهدی<sup>ع</sup> نیز اشاره دارد.<sup>40</sup> کمپفر توضیحات بیشتری در این باب آورده و عقیده شیعیان را درباره ظهور و قیام حضرت مهدی و اقامه عدل و داد بیان می‌کند.<sup>41</sup>

شاردن در این زمینه مفصل‌تر و روشن‌تر نوشته و البته دچار اشتباهات تاریخی و عقیدتی نیز شده است. او درباره عقیده ایرانیان (شیعیان) می‌گوید که آنان معتقدند دوازدهمین نفر از سلسله جانشینان پیامبر<sup>ص</sup> و آخرین امام، بدون انتخاب جانشین به اراده خدا از میان خلق پنهان شد تا زمانی که به فرمان الهی ظهور کند. او کافران را مسلمان خواهد کرد و به عدل و داد پادشاهی خواهد نمود. شاردن در اینجا اشتباه تاریخی را مرتکب شده است؛ بدین‌گونه که سال غیبت امام دوازدهم (329ق) را 296ق دانسته است.<sup>42</sup>

برخی دیگر از سفرنامه‌نویسان به خطاهای بزرگتری گرفتار شده‌اند، از جمله جوانی فرانچسکو کارری، سیاح ایتالیایی در زمان شاه سلطان حسین صفوی (1105-1135ق) که درک نادرستی از مهدویت داشته و آن را به روز رستاخیز ربط داده است. البته ظهور و انقلاب حضرت

مهدی علیه السلام بی‌ارتباط با قیامت نیست، ولی نه آن‌گونه که هر دو را - مانند کارری - یکی بدانیم. کارری ضمن توصیف عقیده ایرانیان به زندگی پس از مرگ‌ها اظهار می‌دارد که انسان‌ها پس از مرگشان به عقوبتی در خور اعمالشان گرفتار می‌شوند «تا ظهور صاحب الزمان که دجال را خواهد کشت و طرفداران و پیروان وی را به دوزخ‌ها خواهد فرستاد و...». وی در ادامه به روز قیامت و حوادث آن می‌پردازد.<sup>43</sup>

## 2. آداب و سنن مذهبی

### زیارت

از نکات مورد توجه سفرنامه نویسان، علاقه ایرانیان و شیعیان به زیارت قبور ائمه علیهم السلام و بزرگان است. به‌طور طبیعی بیشترین مطالب در این زمینه به زیارت قبر امام رضا علیه السلام در مشهد مربوط است. کمپفر با اشاره به توجه زیاد ایرانیان (شیعیان) به زیارت قبر امام رضا علیه السلام می‌گوید که اعتقاد آنان بر این است که با توسل به آن حضرت، بیماران شفا و نابینایان بهبود می‌یابند.<sup>44</sup> گرچه او عقیده دارد که شفا یافتن بیماران و نابینایان نیرنگی بیش نیست. او با بیان اینکه اغلب در هر ماه چهار یا پنج مورد شفا یافتگی رخ می‌داد می‌گوید که اولین کسی که معجزه شفا یافتن در مرقد امام رضا علیه السلام را رواج داد شاه عباس اول بود و سببش آن بود که می‌خواست پولی را که رعایایش در سفر به کربلا و عراق خرج می‌کردند در مملکت نگاه دارد.<sup>45</sup> الکس بارنز در توصیف آرامگاه امام رضا علیه السلام به این نکته اشاره دارد که علاوه بر شیعیان، اهل سنت نیز به زیارت آن حضرت می‌روند.<sup>46</sup> نیکولای خانیکوف روسی در عهد قاجار ضمن شرح مفصل خود از مشاهداتش در مشهد، از آمدن زائران به حرم امام رضا علیه السلام، عریضه‌نویسی و حاجت‌خواهی آنان سخن می‌گوید. او با شگفتی اظهار می‌دارد که این امام با اینکه حدود هزار سال پیش از دنیا رفته است، گویا: «هنوز هم در مسائل این دنیا شرکت فعال دارد».<sup>47</sup> وی طبق برآوردی از غذای طبخ شده در آشپزخانه حضرتی، شمار زائران امام رضا علیه السلام را بالغ بر پنجاه هزار نفر در سال تخمین می‌زند و این در حالی است که جمعیت شهر مشهد در آن زمان شصت هزار بوده است.<sup>48</sup>

کمپفر در این باب به سفرهای زیارتی ایرانیان به عراق نیز می‌پردازد، اما در این خصوص دچار اشتباه شده و گمان کرده است که قبر امام علی علیه السلام در کربلا بوده و می‌گوید که شیعیان به کربلا می‌روند: «...تا قبر علی مرتضی، یعنی امام اول شیعیان را که این قدر مورد اعجاب و ستایش آنهاست زیارت کنند».<sup>49</sup> از نکاتی که کمپفر بدان اشاره داشته مشکلات زائران ایرانی است. او اظهار می‌کند که سفرهای زیارتی ایرانیان به عراق به دلیل مسلط بودن ترکان (سنی) بر

این ناحیه، خطراتی دربرداشت و در همین رابطه می‌گوید که ایرانی‌ها در سفر حج، اغلب خود را شافعی مذهب معرفی می‌کردند تا از این طریق با آسایش خاطر و امنیت بیشتری سفر کنند. و اگر خود را شیعه معرفی می‌کردند زندگی‌شان از طرف ترک‌ها در معرض خطر قرار می‌گرفت.<sup>50</sup>

اولثاریوس نیز به عادت ایرانیان (شیعیان) در رفتن به زیارت قبور ائمه اشاره دارد و اظهار می‌دارد که زائران پس از بازگشت، نوشته‌هایی با خود داشتند به نام زیارت‌نامه که حاکی از اعتقادات آنان بود و مبنی بر اینکه به زیارت چه اماکنی رفته‌اند.<sup>51</sup> همچنین او شرحی از سفر زیارتی شاه عباس به مشهد و نذورات او برای حرم و ساخت دو درِ گرانبها برای آن آورده است.<sup>52</sup> پیتر دلاواله جهانگرد ایتالیایی نیز از سفر زیارتی شاه عباس به مشهد برای زیارت امام و ادای نذر خویش در سال 1029 ق می‌کند که خودش نیز در این سفر همراه شاه بود. او اظهار می‌دارد که شاه به سبب رؤیایی که در آن با امام رضا علیه السلام دیدار داشت، در دامغان از ادامه سفر منصرف شده و به سمت آذربایجان شتافت.<sup>53</sup> ژان اوتر فرانسوی (jean otter) فرستاده لوئی پانزدهم نیز در عصر نادر شاه درباره رفتن شیعیان به زیارت امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام اشاره کرده است.<sup>54</sup>

### زیارتگاه‌ها

طبیعتاً سفرنامه‌نویسانی که درباره زیارت رفتن شیعیان مطلب نوشته‌اند به اماکن زیارتی هم توجه داشته‌اند. زیارتگاه‌هایی که به‌طور عمده در این آثار از آنها یاد شده و با مذهب تشیع پیوند دارند دو دسته‌اند: نخست مراقد ائمه و دیگر قبور امام‌زادگان.

### قبور ائمه علیهم السلام

بنیامین تودولایی از قدیم‌ترین سفرنامه‌نویسان، در سفرنامه خود از قبر امام علی علیه السلام به‌عنوان یکی از زیارتگاه‌های مسلمانان یاد می‌کند، ولی در این باره به اشتباه افتاده است، زیرا آن را در مسجد جامع شهر کوفه دانسته است. او در توصیف کوفه می‌گوید: «قبر علی بن ابی‌طالب شوهر دختر محمد داخل مسجد بزرگی در این شهر قرار دارد و آن مسجد زیارتگاه مسلمانان است».<sup>55</sup>

کمپفر نیز حرم‌های ائمه علیهم السلام به خصوص حرم امام رضا علیه السلام را توصیف می‌کند<sup>56</sup> و درباره اعتقاد ایرانیان در زیارت آن حضرت و شفادادن و معجزات آن حضرت سخن می‌راند.<sup>57</sup> توصیفات بارنز درباره مرقد امام رضا علیه السلام مفصل‌تر است. او که در مسیر خود از ترکستان به ایران، از مشهد عبور کرده و این شهر را دیده است، پس از اشاره به وجود مدفن امام رضا علیه السلام در این شهر به توصیف آن می‌پردازد.<sup>58</sup> پس از او خانیکوف روسی نیز در شرح مفصلش از شهر مشهد به توصیف حرم امام رضا علیه السلام نیز پرداخته است.<sup>59</sup>

از نویسندگان متأخرتر، ژان اوتر فرانسوی به آرامگاه امام علی علیه السلام در نجف و آرامگاه امام حسین علیه السلام در کربلا و آمدن شیعیان به این شهرها برای زیارت اشاره دارد.<sup>60</sup>

#### قبور امام زادگان

در سفرنامه‌ها از آرامگاه‌های امام‌زادگان نیز توصیفات آموخته شده که مفصل‌ترین آنها درباره آرامگاه فاطمه معصومه علیها السلام در شهر قم است. فیگوئروا (don Garcia de silvia Figueroa)، سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول صفوی که طی سفر خود از قم عبور کرده است، به وجود مدفن حضرت معصومه علیها السلام در این شهر اشاره دارد و درباره اعتقاد شیعیان به زیارت مرقد آن بانو و معجزاتی که به وی نسبت می‌دهند، مطالبی می‌آورد.<sup>61</sup> هرمان نوردن که در سفرنامه‌اش شرحی قابل توجه درباره شهر قم و وجود مقبره حضرت معصومه خواهر امام رضا علیه السلام در آن آورده است، از روحانیت این شهر یاد می‌کند و اظهار می‌دارد که دیدن گنبد طلای با شکوه مرقد حضرت معصومه علیها السلام از راه دور، حتی برای غیرمسلمانان حالتی توأم با احترام به وجود می‌آورد.<sup>62</sup> در سفرنامه ژان باتیست فابر، سفیر فرانسه دربار شاه سلطان حسین صفوی (وی در زمان لوئی چهاردهم برای عقد قراردادی تجاری به دربار شاه سلطان حسین صفوی آمد. زنی ماجرا جو به نام ماری کلود پوتی او را همراه می‌کرد که به وجود آورنده حوادثی گوناگون در این سفر بود) نیز به وجود مدفن فاطمه معصومه علیها السلام در قم اشاره شده است.<sup>63</sup> شاردن نیز شرح مفصلی از حرم حضرت معصومه در قم آورده که بیشتر توصیف ابنیه و تاریخ بنای آنهاست.<sup>64</sup> البته برخی سفرنامه‌نویسان، مانند اولتاریوس به‌رغم توصیف شهر قم و تولیدات کشاورزی و صنعتی‌اش، به مقبره حضرت معصومه در این شهر اشاره‌ای ندارد.<sup>65</sup>

با وجود اشارات متعدد به وجود قبر فاطمه معصومه علیها السلام در قم، بیشتر اطلاعات ذکر شده در این سفرنامه‌ها نادرست است، چنان‌که فیگوئروا درباره شخصیت آن بانو به خطا رفته و به نقل از قاضی شهر قم می‌گوید: «این بانو که نامش لیلاست، نواده دختری محمد، یعنی فرزند علی و فاطمه دختر پیامبر بزرگ مسلمانان است که پس از شهادت برادرانش حسین و حسن معصومانه از بغداد گریخته و بدین شهر آمده است و...». همچنین او اظهار می‌دارد که فاطمه معصومه پس از ورود به قم کاروانسرای مجلل و مریض‌خانه‌ای بزرگ برای اسکان و مداوای غربا و بیماران بنا کرد.<sup>66</sup> همین‌طور شاردن درباره آمدن فاطمه معصومه به قم می‌گوید که چون خلفای بغداد شیعیان و ائمه را آزار و شکنجه می‌دادند، امام موسی کاظم علیه السلام دختر خود، فاطمه معصومه را به قم انتقال داد. شاردن نیز از ساخت بناهای بزرگی در قم به دست آن بانو یاد

می‌کند و می‌گوید که بنا به عقیده شیعیان آن حضرت به اراده خدا پس از وفات به آسمان عروج کرد.<sup>67</sup> در سفرنامه سفیر فرانسه نیز ظاهراً بنای شهر قم به زمان آمدن فاطمه معصومه نسبت داده شده به طوری که تاریخ تأسیس این شهر را به اشتباه سال ۲۰۳ ق نوشته است.<sup>68</sup> در برخی سفرنامه‌ها از امام‌زادگان دیگری هم نام برده شده است. برای مثال، فیگوئروا که در مسیر بازگشت خود از استان فارس عبور کرده است، از امام‌زاده‌ای در روستایی به نام اوجان یاد می‌کند.<sup>69</sup> همین‌طور خانیکوف روسی که طی سفر خود از شهرهای خراسان عبور کرده، آرامگاه برخی از امام‌زادگان مدفون در آنها مانند امام‌زاده محمد محروق در نیشابور و دیگران را دیده است.<sup>70</sup>

#### مراسم مذهبی

توجه به آداب و رسوم و سنن ملی و مذهبی از نکته‌های قابل توجه در سفرنامه‌هاست. در خصوص موضوع مورد بحث، آنچه بیش از همه در سفرنامه‌ها به چشم می‌خورد مراسم عزاداری ماه محرم است که در بیشتر این آثار از آن یاد و در برخی به‌طور مفصل‌تر توصیف شده است. یکی از این توصیفات را در سفرنامه فیگوئروا می‌توان یافت. فیگوئروا در سفر خود به ایران مدتی را در اصفهان، مرکز حکومت صفویان، اقامت کرد که این ایام مصادف با ماه محرم و برگزاری عزاداری برای امام حسین علیه السلام بود و از آنجا که محل اقامت او نزدیک مسجد جامع قرار داشت از نزدیک شاهد برپایی این مراسم در بزرگ‌ترین شهر ایران بود. او به تفصیل از شرکت مردم در مساجد برای این منظور و فعالیت‌های اقشار مختلف مردم در این ایام برای سوگواری و جمع‌آوری صدقه یاد می‌کند.<sup>71</sup> همچنین فیگوئروا ضمن تشریح مراسم خاصی از قربانی شتر، آن را از رسوم جاهلیت می‌داند که شیعیان برای تسکین خاطر خود بدان اقدام می‌کردند.<sup>72</sup> او می‌گوید که ایرانیان به سبب شهادت امام حسین علیه السلام کینه و بغضی از سنیان، یعنی ترکان و عرب‌ها در سینه دارند.<sup>73</sup> اولتاریوس نیز پس از اشاره به برگزاری مراسم عزاداری در ایران به مناسبت شهادت امامان، به خصوص امام علی علیه السلام و امام حسین علیه السلام، می‌گوید که ترک‌ها (سنی مذهب) به این سبب به ایرانی‌ها ناسزا می‌گویند.<sup>74</sup>

یکی از مفصل‌ترین شرح‌ها درباره عزاداری ماه محرم در سفرنامه انگلبرت کمپفر آلمانی آمده است. به نظر می‌رسد کمپفر از بدبینی‌هایی که فیگوئروا در توصیفات خود از این مراسم داشته، به دور بوده و مشاهداتش را بی‌طرفانه‌تر نوشته است. کمپفر با اشاره به مدت ده روز

سوگواری ایرانیان، به اختصار حوادث منتهی به واقعه کربلا و دعوت مردم عراق از امام حسین علیه السلام و اعزام سپاه از طرف یزید و شهادت امام و یارانش را شرح می‌دهد.<sup>75</sup> سپس به توصیف عزاداری‌ها پرداخته، می‌گوید که مردم در میدان و معابر حاضر می‌شدند و به سخنان روضه خوان‌ها گوش فرا می‌دادند که هر روز یک فصل از کتاب *روضه‌الشهدا* را قرائت می‌کردند. بعد از ظهرها نیز وسائل لازم برای آتش افروختن و ایجاد روشنایی را فراهم می‌کردند تا مراسم عزاداری شبانه را که سینه زنی بود، برگزار کنند. از دیگر برنامه‌های این مراسم ساختن شبیه تابوت امام حسین علیه السلام و کودک خردسال او بود.<sup>76</sup> او اشاره می‌کند که گاه برخی از عزاداران که دچار هیجان بسیار می‌شدند اقدام به قمه زنی می‌کردند.<sup>77</sup>

جووانی کارری، جهانگرد ایتالیایی نیز از مراسم عزادای محرم و عاشورا یاد می‌کند. البته او در این باره دچار اشتباه شده و این عزاداری را به مناسبت شهادت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام می‌داند که نزدیک بغداد به دست عمر انفاق افتاد. کارری درباره این مراسم می‌گوید که به مدت ده روز میدان‌ها و گذرگاه‌ها روشن و چراغانی بود و علم‌های سیاه در آنها برافراشته و در سر هر گذری چند ملا بر منابر نشسته و مناقب و مصائب شهدای کربلا را می‌خواندند. مردم به نشانه عزای لباس‌های سیاه یا سرخ می‌پوشیدند و به سخنان واعظ گوش می‌دادند.<sup>78</sup>

به جز ایام سوگواری عاشورا، درباره دیگر مناسبت‌های مذهبی شیعیان مطالب کمتری در سفرنامه‌ها وجود دارد. تنها در سفرنامه کمپفر به تفصیل، مناسبت‌های مختلف سال بیان شده‌اند. کمپفر از مراسم روز اربعین امام حسین علیه السلام، یعنی بیستم ماه صفر نام می‌برد که به زعم او بنا به عقیده شیعیان، روزی است که سر بریده امام علیه السلام به بدن آن حضرت که بعد از چهل روز هنوز سالم بر زمین مانده بود، ملحق شد. کمپفر این حادثه اعجاز گونه را به ماجرای قتل یکی از قدیسین لهستانی تشبیه می‌کند.<sup>79</sup> همچنین او از روز بیست و هشتم ماه صفر، یعنی روز مسمومیت و شهادت امام حسن علیه السلام یاد می‌کند،<sup>80</sup> گرچه توضیحی درباره مراسم خاص این روز نمی‌آورد. همین طور درباره نیمه شعبان می‌گوید که به اعتقاد ایرانیان (شیعه) ملائکه دفترهایی را که نام زندگان در آنها ثبت است، می‌گشایند و به همین سبب این شب را شب «برات» نامیده‌اند.<sup>81</sup> از مناسبت‌های دیگری که کمپفر بدان اشاره کرده، شب‌های قدر، یعنی 19، 21 و 23 ماه رمضان است. وی توضیح می‌دهد که مردم در این شب‌ها که شب‌های استجاب دعا هستند، در مساجد یا در خانه‌ها به دعا و نیایش می‌پردازند.<sup>82</sup> همین طور او درباره هجدهم ذی حجه (عید غدیر) توضیحات نسبتاً مفصلاً آورده و می‌گوید که به اعتقاد ایرانیان (شیعه)

هنگامی که پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ با یکدیگر مصافحه می‌کردند، بر اثر معجزه حیرت‌انگیزی به یک جسم و روح تبدیل شدند و به همین دلیل شیعیان در این روز جشن با شکوهی برگزار می‌کنند. سپس اضافه می‌کند که این اتحاد جسم و روح دلیل و مدرک خوبی است برای ایرانی‌ها (شیعه) بر ضد ترک‌ها (سنی) و آن را نشانه‌ای قاطع می‌دانند از تصمیم پیامبر اکرم ﷺ برای تعیین علی ﷺ برای جانشینی خود، زیرا علی ﷺ بیش از دیگران مورد علاقه پیامبر ﷺ بود.<sup>83</sup>

### 3. احکام عبادی

در سفرنامه‌ها به ندرت به برخی مسائل عبادی شیعیان اشاره‌هایی شده که این اشاره‌ها نیز به مناسبت مطالب دیگری بوده است. برای مثال، اولناریوس درباره استفاده ایرانیان (شیعیان) از مهر در نماز و تهیه مهرهایی از تربت امام علی ﷺ و امام حسین ﷺ مطالبی نوشته است.<sup>84</sup> کمپفر نیز ضمن اشاره به این رسم ایرانیان (شیعیان) درباره علت آن - به اشتباه - می‌گوید: «در حین نماز باید زمین را بوسه زد و از آنجا که خاک همیشه آلوده و ناپاک است، مگر آنکه استخوان پاکان را در خود مدفون کرده باشد... ایرانیان تربت علی را برای مهر نماز برگزیده‌اند».<sup>85</sup> از همین قبیل است برخی احکام مربوط به نماز، مانند شیوه وضو گرفتن، نماز خواندن با دست آویخته و چگونگی سلام دادن در نماز که اولناریوس از آنها نام برده و به اختلاف نظر شیعیان و اهل سنت در این موارد اشاره کرده است.<sup>86</sup>

بدین ترتیب، در شرح‌ها و گزارش‌هایی که اروپاییان از سفرهای خود به نواحی شیعه نشین - در راس آنها ایران - ارائه داده‌اند، مطالبی درباره عقاید و آداب و رسوم شیعیان آمده است که به یقین شرق‌شناسان و محققان در این حوزه از آنها بهره برده‌اند. البته بدیهی است که همه این مطالب از دیدگاه تاریخی و عقیدتی شیعی پذیرفته نیست و نیازمند نقد و بررسی است.

### ارزش‌گذاری بر مطالب سفرنامه‌ها

به‌رغم اینکه سفرنامه‌ها، اطلاعات متنوع و نسبتاً فراوانی را درباره تشیع و شیعیان در اختیار اروپاییان قرار داده است باید توجه داشت که مطالب آنها در این خصوص، ارزش و اعتبار یکسانی ندارد و ارزش آنها به نقاط قوت و ضعف کار سفرنامه‌نویسان بستگی دارد که در ادامه به آنها اشاره می‌شود.

مهم‌ترین نقطه قوت و جنبه مثبت سفرنامه‌ها بیان مشاهدات عینی است که یکی از معتبرترین شیوه‌های انتقال اطلاعات و معیاری برای سنجش گزارش‌ها و اخبار به شمار می‌رود.



به‌طور طبیعی، مطالبی را که یک گزارش‌گر (با فرض بر وثاقت و راست‌گویی وی) بر اساس دیده‌ها و شنیده‌های مستقیم خود نقل می‌کند از مطالبی که با واسطه و از طریق دیگران بازگو می‌نماید، ارزش بیشتری دارد. از آنجا که گزارش‌های سفرنامه‌نویسان تقریباً به تمامی بر اساس مشاهدات عینی آنان بوده، اهمیت قابل توجهی دارد. این امر، به ویژه در خصوص گزارش‌های مربوط به آداب و رسوم، زندگانی مردم، اوضاع شهرها، برگزاری مراسم دینی و توصیف اماکن مذهبی، مصداق بیشتری می‌یابد، زیرا به‌طور معمول مسافران اروپایی این امور را در حین سفرهایشان به چشم خود می‌دیدند.

نکته دیگری که از موارد اعتبار سفرنامه‌ها به شمار می‌رود گزارشگری محض است؛ به این معنا که سفرنامه‌نویس فقط به بازگوکردن گزارش دیده‌ها و شنیده‌های خود بسنده می‌کند و از بیان برداشت‌ها و دیدگاه‌های شخصی خود پرهیز می‌نماید. این ویژگی موجب می‌شود که خواننده با مجموعه‌ای از اطلاعات پردازش نشده، بی‌طرفانه و به دور از پیش‌داوری‌های نویسنده روبه‌رو شود و در نتیجه‌گیری و قضاوت خود تحت تأثیر دیدگاه خاصی قرار نگیرد. البته این ویژگی در همه سفرنامه‌ها وجود ندارد و برخی از سفرنامه‌نویسان نه تنها به تحلیل و داوری مشاهدات خود پرداخته‌اند، بلکه گاه در نقل آنها نیز جانب‌دارانه رفتار کرده‌اند. از همین موارد می‌توان به توصیفات فیگوتروآ درباره مراسم عزاداری ماه محرم یاد کرد. او در گزارش خود از این مراسم با تأکید بر برخی اتفاقات در این ایام، برپایی عزاداری را به صورت دکانی برای سوء استفاده برخی سودجویان به تصویر می‌کشد.<sup>87</sup>

کارهای سفرنامه‌نویسان اشکالات و کاستی‌هایی نیز دارد که از جنبه‌های ضعف آنها به شمار می‌روند. یکی از این اشکالات، تعمیم دادن قضایاست؛ به این معنا که نویسندگان مزبور مشاهدات مقطعی خود را که به زمان و مکان یا شخص خاصی تعلق داشته، عمومیت داده و از آن به‌عنوان قانون کلی یاد کرده‌اند، چنانکه از رفتارها و باورهای یک شخص به‌عنوان آداب و سنن و باورهای عمومی جامعه یاد می‌کنند.<sup>88</sup>

از دیگر اشکالات کار برخی سفرنامه‌نویسان نقل از منابع شفاهی غیرمعتبر است. این اشکال بیشتر در بیان اعتقادات شیعیان و مطالب تاریخی نمایان است، مانند مطالبی که اولتاریوس و کمپفر در موضوع امامت و مهدویت آورده‌اند<sup>89</sup> یا گزارش فیگوتروآ درباره شخصیت فاطمه معصومه علیها السلام دختر امام هفتم علیه السلام که در قم مدفون است.<sup>90</sup> همچنین کم بودن اطلاعات تاریخی و

عمومی سفرنامه‌نویسان را در خصوص مذهب تشیع و شیعیان باید به این موارد افزود که در مجموع، موجب شده برخی اطلاعات نادرست و بعضی برداشت‌های اشتباه در آثار آنان راه یابد. بی‌شک، بررسی عمیق‌تر و دقیق‌تر سفرنامه‌ها نکات بیشتری را درباره جایگاه آنها در مطالعات شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی در اروپا روشن می‌سازد.

### نتیجه

به نظر می‌رسد در میان تعداد قابل ملاحظه سفرنامه‌هایی که در دوره صفوی و قاجار نوشته شده، آثار عهد صفوی در انتقال مفاهیم مذهبی نقش بیشتری داشتند و مطالب قابل توجه‌تری را نقل داده‌اند که این امر تا حد بسیار زیادی تحت تأثیر انگیزه‌های سفرهای مذکور و سفرنامه‌های مربوط قرار داشته است. مهم‌ترین مطلبی که در بخش اصول عقاید توجه سیاحان اروپایی و نویسندگان سفرنامه‌ها را به خود جلب کرده، موضوع امامت و اختلاف نظر شیعیان و اهل سنت در این باره است. اگر چه سفرنامه‌نویسان در شرح کلیات اعتقاد شیعیان در امامت کمتر اشتباه کرده‌اند، ولی در جزئیات، خطاهای بسیار داشته‌اند، چنان‌که در شمارش ائمه و ترتیب امامت ایشان یا تاریخ زندگانی‌شان موارد نادرستی را ثبت نموده‌اند. موضوع مهدویت نیز اغلب مورد توجه بوده و بر عقیده شیعیان بر اقامه عدل و داد توسط امام دوازدهم تأکید شده است. در برخی از آنها، آثار ظهور مهدی عج با علامات الساعه و نشانه‌های قیامت درهم آمیخته و خلط شده است.

موضوع زیارت و توجه شیعیان به این مقوله در بیشتر سفرنامه‌ها آمده و به همین مناسبت از مشاهد مشرفه و قبور امامان و امام‌زادگان یاد شده است. گاه مشاهدات عینی سیاحان از این مکان‌ها که مشتمل بر تشریح ساختمان و معماری آرامگاه و تزئینات و جزئیات آن می‌باشد، ذکر شده است. همچنین برگزاری مراسم روز عاشورا و سوگواری برای امام حسین ع و شهادت کربلا از موضوعات پر رنگ در سفرنامه‌هاست که اظهار نظرات مختلفی را نیز به همراه داشته است.

بی‌شک، انتقال این اطلاعات در کیفیت شناخت و آگاهی اروپاییان و نویسندگان بعدی آنها تأثیر داشته و از این رو توجه به نقاط ضعف و قوت این آثار، مهم است. اگر چه ذکر مشاهدات عینی از سوی سفرنامه‌نویسان از نقاط قوت کار آنها می‌تواند باشد، ولی گاه برداشت‌های غیر واقع آنها ذهن خواننده را از واقعیت منحرف می‌سازد. همچنین تکیه بر منابع شفاهی غیر معتبر و تعمیم قضا یا از اشکالات دیگر کار سفرنامه‌نویسان شمرده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها .....

1. فاروقی، *سیری در سفرنامه‌ها*، ص 11.
2. همان.
3. ر.ک: شاردن، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی.
4. ر.ک: تاورنیه، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ایوب نوری، تهران، سنایی، 1369ق.
5. بلهر، *سفرنامه بلهر (جغرافیای رشت و مازندران)*، به کوشش علی اکبر خداپرست، ص 122.
6. فاروقی، *سیری در سفرنامه‌ها*، ص 177.
7. همان، ص 8.
8. همان، ص 7.
9. همان، ص 87.
10. ر.ک: مینوی، *نقد حال*، 399؛ صدیق، *یادگار عمر*، ج 4، ص 68؛ نصر، *ادوارد براون و نقش سیاسی او در ایران*، ص 51.
11. ر.ک: براون، *یک سال در میان ایرانیان*، ص 344 - 346.
12. نصر، *نقش سیاسی ادوارد براون در ایران*، ص 79.
13. ر.ک: عباس نصر، *نقش سیاسی ادوارد براون در ایران*، ص 141؛ فاروقی، *سیری در سفرنامه‌ها*، ص 134.
14. فاروقی، *سیری در سفرنامه‌ها*، ص 37.
15. ر.ک: فاروقی، *سیری در سفرنامه‌ها*، ص 39. متأسفانه اصل کتاب به دست نگارنده نرسید.
16. ر.ک: الگود، *تاریخ پزشکی ایران*، ص 54.
17. همان، ص 34.
18. ر.ک: فاروقی، *سیری در سفرنامه‌ها*، ص 147 - 148. متأسفانه اصل کتاب به دست نگارنده نرسید.
19. ر.ک: گوینو، جوزف آرتور، *سه سال در آسیا*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی.
20. ر.ک: دوموریه، *سرگذشت حاجی بابا اصفهانی*، ص 48 و 126.
21. ر.ک: ژوبر، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ص 2 - 3.
22. ر.ک: بلهر، *سفرنامه بلهر*، ص 34.
23. اولتاریوس، *سفرنامه اولتاریوس*، ص 754.
24. ر.ک: راولینسون، سر هنری، *سفرنامه راولینسون*، ترجمه سکندر امان‌اللهی.
25. ر.ک: دوبد، کلمنت اوگاتیس، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمد حسین آریا.
26. ر.ک: بارنز، *سفرنامه بارنز*، ص 64؛ سرنا، *مردم و دیدنی‌های ایران*، ص 49.
27. آدام اولتاریوس آلمانی (1599 - 1671م) در لایپزیک به تحصیل در الهیات پرداخت و سپس به فلسفه و ریاضیات روی آورد. پس از اتمام تحصیلات به‌عنوان استاد و رئیس دانشکده فلسفه مشغول به کار شد. او تسلط فراوانی به زبان‌های فارسی و ترکی داشت و در 1635م/1045ق به‌عنوان منشی یک هیات سیاسی رهسپار ایران شد که حاصل آن سفرنامه اوست. او همچنین کتاب گلستان سعدی را به آلمانی ترجمه کرد. (ر.ک: منوچهر دانش‌پژوه، *بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی*، ص 85).

28. اولتاریوس، *سفرنامه*، ص 755.
29. کمپفر، *سفرنامه*، ص 132.
30. شاردن، *سفرنامه شاردن*، ج 3، ص 1142.
31. شاردن، *سفرنامه*، ج 3، ص 1142.
32. کمپفر، *سفرنامه*، ص 133.
33. بنیامین تودولایی، *سفرنامه بنیامین*، ص 144.
34. اولتاریوس، *سفرنامه*، ص 755.
35. همان، ص 756.
36. کمپفر، *سفرنامه*، ص 132.
37. همان، ص 123.
38. ر.ک: اولتاریوس، *سفرنامه*، 438؛ فلسفی، *زندگانی شاه عباس اول*، ج 3، ص 865.
39. بارنز، *سفرنامه*، ص 60 - 62.
40. اولتاریوس، *سفرنامه*، ص 756.
41. کمپفر، *سفرنامه*، ص 133 - 134.
42. شاردن، *سفرنامه*، ج 3، ص 1143.
43. کارری، *سفرنامه*، ص 154.
44. کمپفر، *سفرنامه*، ص 178.
45. همان، ص 188.
46. بارنز، *سفرنامه*، ص 60.
47. خانیکوف، *سفرنامه*، ص 111.
48. همان، ص 112.
49. کمپفر، *سفرنامه*، ص 177.
50. همان، ص 177.
51. اولتاریوس، *سفرنامه*، ص 756.
52. همان، ص 438.
53. فلسفی، *زندگانی شاه عباس اول*، ج 3، ص 865 به نقل از *سفرنامه پیتر و دلاواله*، ج 5، ص 189.
54. اوتر، ص 66 و 255.
55. *سفرنامه بنیامین*، ص 113.
56. کمپفر، *سفرنامه*، ص 133.
57. همان، ص 123.
58. بارنز، *سفرنامه*، ص 61 - 62.
59. ر.ک: خانیکوف، *سفرنامه*، ص 109 - 122.

60. اوتر، سفرنامه، ص 66 و 255.
61. فیگوئروا، سفرنامه، ص 253.
62. فاروقی، سیری در سفرنامه‌ها، ص 147.
63. گرس، سفیر زیبا، ص 196.
64. شاردن، ج 2، ص 522 - 526.
65. ر.ک: اولناریوس، سفرنامه، ص 527 - 529.
66. فیگوئروا، سفرنامه، ص 250.
67. شاردن، سفرنامه، ج 2، ص 526.
68. گرس، سفیر زیبا، ص 196.
69. فیگوئروا، سفرنامه، ص 195.
70. خانیکوف، سفرنامه، ص 106 و 86 و 87.
71. فیگوئروا، سفرنامه، ص 307 - 310.
72. همان، ص 314.
73. فیگوئروا، سفرنامه، ص 307.
74. اولناریوس، سفرنامه، ص 757.
75. کمپفر، سفرنامه، ص 180.
76. همان.
77. سفرنامه کمپفر، ص 181.
78. کارری، سفرنامه، ص 148.
79. کمپفر، سفرنامه، ص 181.
80. همان، ص 181.
81. همان، ص 182.
82. همان.
83. همان، ص 183.
84. اولناریوس، سفرنامه، ص 760.
85. کمپفر، سفرنامه، ص 178.
86. اولناریوس، سفرنامه، ص 759 و 760 و 761.
87. فیگوئروا، سفرنامه، ص 307 - 310.
88. ر.ک: کارری، ص 162؛ اولناریوس، ص 205.
89. اولناریوس، سفرنامه، ص 755؛ کمپفر، سفرنامه، ص 132.
90. فیگوئروا، سفرنامه، ص 250.



## منابع

- اوتر، ژان، *سفرنامه*، ترجمه علی اقبال، تهران، جاویدان، 1363.
- اولتاریوس، آدام، *سفرنامه*، ترجمه بهیور، انتشاراتی، ابتکار، 1363.
- بارنز، الکس، *سفرنامه*، ترجمه سلطانیفر، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، 1366.
- براون، ادوارد گرانویل، *یک سال در میان ایرانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران، ماه ریز، 1381.
- بلهر، *سفرنامه بلهر* (جغرافیای رشت و مازندران)، به کوشش علی‌اکبر خداپرست، تهران، توس، 2536.
- تاورنیه، *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه ایوب نوری، تهران، سنایی، 1369ق.
- تودولایی، بنیامین، *سفرنامه*، ترجمه مهوش ناطقی، تهران، کارنگ، 1380.
- تودولائی، بنیامین، *سفرنامه*، ترجمه مهوش ناطقی، تهران، نشر کارنگ، 1380.
- خانیکوف، نیکولای ولادیمیروویچ، *سفرنامه خانیکوف*، ترجمه اقدس یغمایی و ابوالقاسم بی‌گناه، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، 1375.
- دانش‌پژوه، منوچهر، بررسی سفرنامه‌های دوره صفوی، تهران، فرهنگستان هنر، 1358.
- دوید کلمنش، *سفرنامه لرستان و خوزستان*، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، علمی و فرهنگی، 1371.
- دوموریه، جیمز جاستی، *سرگذشت حاجی بابا اصفهانی*، تهران، مرکز، 1379.
- راولینسون، سرهندی، *سفرنامه*، ترجمه امان‌الله سکندری، تهران، آگاه، 1362.
- ژوبر، پیر پروب، *مسافرت به ارمنستان و ایران*، ترجمه محمود مصاحب، تبریز، چهره، 1347.
- شاردن، *سفرنامه شاردن*، ترجمه اقبال یغمایی، تهران، توس، 1372.
- صدیق، عیسی، *یادگار عمر*، تهران، دهخدا، 2536.
- فاروقی، فواد، *سیری در سفرنامه‌ها*، تهران، موسسه مطبوعاتی عطائی، 1361.
- فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس اول*، تهران، علمی و فرهنگی، 1369.
- فیگوئروا، دن گارسیا دسیلوا، *سفرنامه*، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران، 1364.
- کمپفر، انگلبرت، *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهان‌داری، تهران، خوارزمی، 1360.
- کارری، جووانی فرانچسکو جملی، *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم، 1383.
- گرس، ایون، *سفیر زیبا* (سرگذشت و سفرنامه فرستاده فرانسه در دربار شاه سلطان حسین صفوی)، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران، انتشارات تهران، 1372.
- الگود، سیریل، *تاریخ پزشکی در ایران*، ترجمه ماهر فرقانی، تهران، امیرکبیر، 1365.
- مینوی، مجتبی، *نقد حال*، تهران، مرکز، 1352.
- نصر، عباس، نقش سیاسی ادوارد براون در ایران، تهران، ناظر، 1379.
- نک: گوبینو، جوزف آرتور، *سه سال در آسیا*، ترجمه عبد‌الرضا هوشنگ مهدوی، تهران، قطره، 1383.